

**ملیحه جهانبخش** |لهجه نیشابوری را خیلی خوب صحبت می کند، البته نه فقط برای اینکه بازیگری توانمند است، بلکه به این دلیل که سال‌های کودکی و نوجوانی‌اش را در نیشابور زندگی کرده و بعد به تهران رفته است. بازیگری که خیلی‌ها به دلیل بازی در «پایتخت» او را تا مدت‌ها «پهپود» صدا می‌زدند، اما در نقش «نعیم» سریال «مهرآباد» هم همان اندازه سادگی‌اش را حفظ کرد. خیلی‌ها در حافظه‌شان بازی او را در ژانر کمدی بیشتر به‌خاطر دارند، اما در نقش‌های جدی و آدم‌های خاکستری یا حتی تبهکار هم استادانه بازی کرده است.
مهران احمدی معتقد است داستان برایش حرف اول را می‌زند و بیش از هر چیزی قصه و فیلم‌نامه باید با دغدغه‌هایش هم‌خوانی داشته باشد.
نقش‌هایی که بازی می‌کند، همان آدم‌هایی هستند که روزی در کوچه، خیابان، محل کار و... ممکن است دیده باشیم، اما برای او هر کسی یک ایده و یک نقش است که در زندگی روزمره به حافظه‌اش می‌سپارد تا روزی در نقشی، شخصیتی را که دیده است، بازآفرینی کند.
شاید برای همین است که هم می‌تواند در فیلم «هزارپا» مخاطب را بخنداند و هم در فیلم «ماچی» به دلیل شخصیت سیاهی که بازی کرد، مخاطب را از خودش

## بازیگری در نیشابور، شهرت در «پایتخت»

منزجر کند. هم می‌تواند همان «نعیم» ساده با لهجه نیشابوری در خیابان‌های تهران باشد و هم حاجی‌دشتی، شخصیت مرموز و پیچیده «می‌خواهم زنده بمانم». اگر چه، تجربه بیش از سی سال بازیگری در بیش از ۱۴۵ اثر سینمایی و ۱۲۰ اثر تلویزیونی او را هم نباید نادیده گرفت.
مهران احمدی فعالیت هنری‌اش را از گروه‌های آماتوری تئاتر در نیشابور آغاز کرد و کارش در سال ۱۳۷۰ رفته‌رفته جدی شد و کم‌کم با ورود به سریال‌های تلویزیونی و پس از آن سینما، روزبه‌روز حرفه‌ای‌تر شد.
مهران احمدی، بازیگر چهل‌ونه‌ساله سینما و تلویزیون و دانش‌آموخته بازیگری در رشته تئاتر، در کارنامه‌اش فعالیت‌های هنری دیگری مانند برنامه‌ریز، دستیار کارگردان و کارگردانی را نیز دارد و سال ۱۳۸۹ برای بازی در فیلم‌سینمایی «الزایمر» برنده سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش مکمل مرد از بخش «جلوه‌گاه شرق» از بیست‌ونهمین جشنواره فیلم فجر شد.
امسال نیز در چهل‌ویکمین جشنواره فیلم فجر در دو فیلم «غریب» و «روایت ناتمام سیما» نقش آفرینی می‌کند که در بخش نامزد بهترین نقش مکمل مرد، با بازی در فیلم «غریب» رقابت حرفه‌ای‌اش را نیز در عرصه بازیگری بار دیگر محک می‌زند.



پرونده چهل‌ویکمین

جشنوار هیین المللی فیلم فجر بسته‌شد

## تحقق شعار

## امید، اخلاق، آگاهی

شکیبای افخمی‌راید

مراسم اختتامیه چهل و یکمین جشنواره بین المللی فیلم فجر با اجرای محمدرضا شهیدی فر، هنرمند مشهوری، شامگاه شنبه ۲۲همن در برج میلاد برگزار واسامی برگزیدگان بخش‌های مختلف‌اعلام‌شد.در این دوره که‌در بخش ملی ۲۴فیلم‌با یکدیگر به‌رقابت‌پرداختند،‌داوری آثار نیز برعهده پرویز شیخ‌طادی کارگردان، مجید اسماعیلی تهیه‌کننده و کارگردان، ابراهیم حاتمی کیا کارگردان، محمود رضوی تهیه‌کننده،محمدتقی‌فهیم‌منتقدفیلم،محمدرضاشریفی‌نیا بازیگر ومسعودنقاش‌زاده کارگردان سینما بود.

● جشنواره به پیچه‌های انقلاب بازگشت

در مراسم اختتامیه این رویداد محمد مهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، دقایقی به ایراد سخن پرداخت. او جشنواره چهل ویکم را حائز ویژگی‌های منحصربه‌فردی دانست و گفت: اولین ویژگی این دوره، ادای دین به‌ساحت هنری ایران بود. فیلم‌سازان در جشنواره چهل ویکم از نقاط مختلف ایران که جای‌جای آن پر از عناصر فرهنگی و هنری است، حضور داشتند. درواقع عدالت فرهنگی‌در این دوره خود رانشان می‌دهد. اسماعیلی تأکیدکرد:خوش‌حالم‌که امروز ما در این جایگاه ایستاده‌ایم، البته به‌این میزان راضی نیستیم و همه باید تلاش کنند که هر روز عیار سینمای ایران بالا برود. او افزود: اتفاق مهم جشنواره امسال، حرکت بر پایه شعار خود یعنی امید، اخلاق و آگاهی بود و همه ۲۴فیلمی‌که به‌این بخش رسیدند، به‌جامعه‌ایرانی‌با استعداد توجه‌کردند. محمد خزاعی، رئیس سازمان سینمایی کشور، نیز در اختتامیه جشنواره چهل و یکم با اشاره به باشکوه‌تر برگزار شدن جشنواره امسال نسبت به‌سال‌های گذشته گفت: امسال ما شاهد حضور سینماگران جوان، معشقه‌اشنا به‌زبان جهانی، نگاه جدی به‌شهرستان‌ها و حضور بانوان و توجه به‌مضامین امید ونشاط در حوزه داخلی بودیم. در حوزه بین‌الملل نیز بالغ بر صد میهمان داشتیم که این اتفاق نشان می‌دهد نه‌تنها سینمای ایران تحریمی در عرصه بین‌المللی ندارد، بلکه روزبه‌روز این رویداد بهتر و عمیق‌تر برگزار می‌شود. او تأکید کرد: امروز من در جشنواره‌ای حضور پیدا کردم که بوی انقلاب می‌دهد و سالیان سال به‌عنوان فیلم‌ساز و تهیه‌کننده در جشنواره بودم و هر سال نگران برگزاری آن بودم، اما امسال من هیچ نگرانی ندارم. امسال این سالن بوی شهدا را می‌دهد وجشنواره به‌پیچه‌های انقلاب بازگشت. خزاعی در ادامه با بغض گفت: من دست‌تک‌تک مردم را می‌بوسم که در راه پیمایی شرکت کردند و در سالن‌های نمایش حضور داشتند.

مجتبی امینی، دبیر جشنواره، نیز در بخشی از این مراسم بیان کرد: روزگار در چهل وچند سال اخیر همواره به‌کام

محمد عنبرسوز

حسین میرزا محمدی یکی از موفق‌ترین فیلم‌اولی‌های جشنواره چهل‌ویکم است که اولین فیلم بلند سینمایی خود را به‌تهیه‌کنندگی کامران حجازی ساخته است.

حجازی که سال گذشته فیلم «مرد بازنده» به‌کارگردانی

محمد حسین مهدویان را تهیه کرده بود، این بار هم اثری مشابه را روانه جشنواره فجر کرده که از فیلم سال گذشته مهدویان مخاطب‌پسندتر است و اگر سیمرغ بهترین فیلم از نگاه مردم وجود داشت، احتمالاً جزو شانس‌های اصلی این رقابت می‌بود. «کت چرمی» از چند منظر با «مرد بازنده» قابل مقایسه است. قبل از هر چیز، نوع نگاه محمد حسین مهدویان در این فیلم جاری است؛ کسی که به‌عنوان مشاور کارگردان در فیلم حسین میرزا محمدی حضور داشته و تأثیرش را در نوع ارتباطی

### نقد روز

منزجر کند. هم می‌تواند همان «نعیم» ساده با لهجه نیشابوری

در خیابان‌های تهران باشد و هم حاجی‌دشتی، شخصیت مرموز و پیچیده «می‌خواهم زنده بمانم». اگر چه، تجربه بیش از سی سال بازیگری در بیش از ۱۴۵ اثر سینمایی و ۱۲۰ اثر تلویزیونی او را هم نباید نادیده گرفت.
مهران احمدی فعالیت هنری‌اش را از گروه‌های آماتوری تئاتر در نیشابور آغاز کرد و کارش در سال ۱۳۷۰ رفته‌رفته جدی شد و کم‌کم با ورود به سریال‌های تلویزیونی و پس از آن سینما، روزبه‌روز حرفه‌ای‌تر شد.
مهران احمدی، بازیگر چهل‌ونه‌ساله سینما و تلویزیون و دانش‌آموخته بازیگری در رشته تئاتر، در کارنامه‌اش فعالیت‌های هنری دیگری مانند برنامه‌ریز، دستیار کارگردان و کارگردانی را نیز دارد و سال ۱۳۸۹ برای بازی در فیلم‌سینمایی «الزایمر» برنده سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش مکمل مرد از بخش «جلوه‌گاه شرق» از بیست‌ونهمین جشنواره فیلم فجر شد.
امسال نیز در چهل‌ویکمین جشنواره فیلم فجر در دو فیلم «غریب» و «روایت ناتمام سیما» نقش آفرینی می‌کند که در بخش نامزد بهترین نقش مکمل مرد، با بازی در فیلم «غریب» رقابت حرفه‌ای‌اش را نیز در عرصه بازیگری بار دیگر محک می‌زند.



نامزدشدن مشهدی‌ها در ۴ بخش مختلف

در چهل‌ویکمین دوره جشنواره فیلم فجر، چندین هنرمند مشهوری حضور داشتند و برخی از آن‌ها توانستند با جلب‌نظر هیئت‌داوران در بخش‌های مختلف کاندیدای دریافت جایزه شوند. ابراهیم اصغری که تا به‌امروز تهیه‌کنندگی آثاری چون «تک‌تیرانداز»، «اشنولگ»، «به‌کبودی یاس»، «شور شیرین» و «مردی شبیه باران» را برعهده داشته، امسال با فیلم «شماره ۱۰»، ساخته حمید زرگزئاد در جشنواره حضور داشت و توانست در بخش بهترین فیلم نامزد دریافت جایزه شود. مسعود زارعیان، مستندساز مشهوری که با مستند «غیرمسکونی» به چهل‌ویکمین دوره جشنواره فیلم فجر راه پیدا کرده بود، نامش در بین نامزدهای دریافت سیمرغ بخش مستندبلند قرار گرفت.
مهران احمدی، بازیگر خراسانی، امسال با دو فیلم «روایت ناتمام سیما» و «غریب» در جشنواره حضور داشت و توانست برای بازی در فیلم «غریب» کاندیدای دریافت سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش مکمل مرد شود. رضا نجاتی دیگر هنرمند مشهوری حاضر در این دوره از جشنواره بود. او که سال گذشته سیمرغ بهترین فیلم کوتاه را برای «ارفاق» دریافت کرده بود، امسال برای ساخت فیلم بلند «بعد از رفتن» در بخش بهترین فیلم اول نامزد دریافت سیمرغ شد.

جشنواره فیلم فجر ودستدارانش نبوده و گاهی موشک‌باران و خاموشی شهرها، گاهی بحران‌های ملی و سوگ‌های جمعی، کام سینمای ایران را تلخ کرده است، اما بزرگان وجوانان مستعد اجازه ندادند چراغ این جشن خاموش‌شود. ما نیز همان اراده وشور وعشق را در دل داشتیم و نگذاشتیم چراغ جشنواره زیر سایه مشکلات و گرفتاری‌ها هوکج‌فهمی‌ها، خاموش‌شود. او یادآور شد: دلمان می‌خواست به‌رسم احترام، میزبان همه خانواده سینما باشیم، اما به‌خواسته و تصمیم دوستان احترام می‌گذاریم. در ادامه مراسم اختتامیه، تصاویری از درگذشتگان سینمای ایران پخش شد که در میان آن‌ها می‌توان به‌زنده‌یاد مهدی صباغی، هنرمند مشهوری، اشاره کرد.

● اهدای سیمرغ بلورین گوهرشاد برای اولین بار

اهدای جوایز بخش مسابقه ملی با اهدای جایزه بهترین فیلم از نگاه ملی (جایزه ویژه شهید حاج قاسم سلیمانی) آغاز شد. این جایزه به فیلم «غریب»، ساخته محمدحسین لطیفی، اختصاص پیدا کرد. سپس سیمرغ بلورین گوهرشاد، جایزه ویژه وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی که برای اولین بار طی ادوار مختلف جشنواره اهدا می‌شد، به لیلی عاج، کارگردان فیلم «سرنگ‌ت‌ریا»، رسید.

در ادامه سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش مکمل زن به‌سارا حاتمی برای فیلم «کت چرمی» اهدا شد. دربخش بهترین بازیگر نقش مکمل مرد، هیئت‌داوران سه‌دپلیم‌افتخاردردنظر گرفته‌بودند که به‌هومن برق‌نورد برای فیلم «سینما متروپل»، پژمان جمشیدی برای «یادگار جنوب» و فرهاد قائمیان برای فیلم «غریب» تقدیم‌شد. سیمرغ بلورین این بخش به‌سجاد بابایی برای بازی در «استاد» رسید. پردیس پورعابدینی نیز سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول برای فیلم «غریب» را از آن خود کرد. در بخش بهترین بازیگری مرد هم هیئت‌داوران دو سیمرغ بلورین اهدا کرد که به‌مجید صالحی برای بازی در «شماره ۱۰» و علی نصیریان برای بازی در «هفت بهار نارنج» رسید. سیمرغ بلورین بهترین فیلم‌نامه به‌بابک

## یک‌تنه علیه مافیا

## نقدی به فیلم «کت چرمی»، اثر پر مخاطب جشنوار هیستم

که فیلم با مخاطب برقرار می‌کند، می‌توانیم مشاهده کنیم. در واقع، شناخت دقیق از رگ خواب مخاطب و تمهیدات لازم برای خسته نشدن بیننده را احتمالاً مهدویان در «کت چرمی» هدایت کرده است، هرچند شکل کارگردانی ویژه او و امضای شخصی‌اش که اغلب با جایگاه یا حرکت دوربین مشخص می‌شود، عملکرد کارگردان «کت چرمی» را تحت‌تأثیر قرار نداده است و مخاطب می‌تواند اثر انگشت کارگردانی غیر از محمدحسین مهدویان را روی این فیلم تشخیص دهد. از لحاظ مضمونی، «کت چرمی» هم مثل «مرد بازنده» قصه مبارزه یک‌تنه قهرمان با شبکه پیچیده‌ای از مافیا را روایت می‌کند و در کنار این ماجراجویی، به زندگی شخصی او هم گریزی می‌زند. قهرمان مورد بحث این دو فیلم مردی است که حضورش همیشه برای سازندگان یک فیلم موهبت به حساب می‌آید و بیننده را به تماشای آن اثر خوش‌بین می‌کند. جواد عزتی که در یک دهه‌اخیری بی‌شک جزو بهترین‌های بازیگری در سینمای

## «عیسی» در کمین رستگاری

اعتباریافتن از سر نقش‌هایی مانند «باباتی» قهوه تلخ و «لطیف» دردسرهای عظیم، تصمیم گرفت وارد نقش آفرینی در حوزه درام‌های جدی شود؛ تصمیمی که ابتدا باورش برای کسانی که او را طنزآز نقش‌های کمدی می‌دیدند، سخت بود، اما مرد تئاتری سینما و تلویزیون ایران با ایفای یک نقش جدی و سخت در «ماجرای نیمروز» وجهی دیگر از خودش را به مردم و منتقدان شناساند. البته او پیش‌تر در «شیار ۱۴۳» هم توانمندی‌اش را به رخ کشیده بود، اما فرصت «ماجرای نیمروز» مهدویان فرصتی تلایایی برای او به‌شمار می‌رفت؛ فرصتی که او را تا آستانه کسب سیمرغ پیش برد، اما در نهایت بازهم از آن بازماند. عزتی سه‌بار با نقش‌های صادق «ماجرای نیمروز» و «رد خون» و یحیی در «آتابای» نامزد سیمرغ بلورین از جشنواره فیلم فجر شد، اما به آن نرسید. ستاره، بعدتر رفته‌رفته با آثاری مثل «تنگه ابوقریب»، «لاتاری»، «جان دار»، «جهان با من برق‌ص»، «آتابای»، «دوزیست»، «شنای پروانه»، «خورشید» و «مرد بازنده» خودش را در نقش‌های جدی جا انداخت. جواد عزتی در «زخم کاری» که سریال شبکه نمایش خانگی بود، خوش درخشید و حالا به‌نظر، عیسی در «کت چرمی» فرصتی بزرگ برای رستگاری اوست.



## سخن با زبان تصویر

نگاهی به ۳ فیلم سینمایی بیستمین جشنواره فیلم فجر مشهد

محمد کلاته ملایی

در بیستمین جشنواره فیلم فجر مشهد تاکنون هفده فیلم اکران شده‌است. در این نوشتار نگاهی به فیلم‌های «درخت پرتقال»، «بعد از رفتن» و «عطرآلود» داریم.

نیم‌نگاه

● دوربین به جای دیالوگ

فیلم «درخت پرتقال» شروع به‌شدت خوب و درستی دارد و ما را با شخصیت سخت‌گیر و جدی معلم آشنا می‌کند. دوربین به‌خوبی کارگردانی می‌شود و با زبان تصویر سخن می‌گوید. اما همه این نکات خوب بعد از رفتن به شهرستان کم‌رنگ می‌شود و فیلم‌نامه کشش لازم و پرداخت مناسب را برای کنکاش گذشته شخصیت از دست می‌دهد.

دوربین کنار می‌رود و دیالوگ جای آن را می‌گیرد و خرده داستان‌ها جای روایت اصلی قصه را می‌گیرند. به‌عنوان مثال رابطه گذشته زن و مرد که فیلم وقت زیادی را صرف آن می‌کند می‌شد با یک تلفن از سمت زن همان پانزده سال قبل حل شود یا بحث تئاتر دستیار قبلی آقا معلم که حتی او را دعوت می‌کند نیمه‌کاره‌رها می‌شود. در کنار این‌ها اشارات فیلم‌ساز به بحث شکاف نسل‌ها در حد چند اشاره و دیالوگ باقی می‌ماند و فراتر نمی‌رود. فیلم می‌توانست اثر بهتری باشد، اگر فیلم‌نامه مسیر اصلی خود را گم‌نمی‌کرد تا ما با کنکاش در گذشته این شخصیت با بازی خوب میرسعید مولویان به سیر و تحول درونی او می‌رسیدیم تا برداشتن سنگ‌ها در انتها و رفتن به سمت آرزوها برایمان قابل درک‌تر باشد.

● چرا از اینجا نمی‌رویم؟

فیلم «بعد از رفتن» که به نظر می‌رسد باید اسمش «بعد از برگشتن» می‌بود، نمونه کاملی از هردادن وقت مخاطب برای رسیدن به یک جواب است که فیلم در دقایق پایانی آن را می‌گوید و نشان می‌دهد فیلم‌نامه‌نویسان ما هیچ درکی از تفاوت «چه» و «چگونه» در سینما ندارند. اینکه مخاطب ۹۰ دقیقه‌منظر جواب باشد و در آخر این جواب به هیچ کار او نیاید، نشان

می‌دهد ما در نوشتن فیلم‌نامه‌های درست و حسابی چقدر فقیر و حقیر هستیم. خودنمایی تکنیکی دوربین در چند نماچه کاربردی می‌تواند داشته باشد، وقتی فیلم نه شخصیت می‌فهمد، نه رابطه می‌داند و نه قصه می‌تواند روایت کند. به‌راحتی تماشاگر می‌توانید فیلم را از هرجایی که‌خواهد تماشا کند و حذف‌کردن سکانس‌ها مشکلی برای آن ایجاد نمی‌کند. پسرک قصه جایی اواخر فیلم از پدرش می‌پرسد چرا از اینجا نمی‌رویم؟ پدر می‌گوید دنبال مادرت هستم. پسر در جواب می‌گوید: خب که چه بشود؟ و این همان جواب مخاطب است به فیلم و فیلم‌ساز و فیلم‌نامه‌نویس.

● سندرم از دست دادن خط اصلی قصه

در سینما ساختن حس بویایی کاری است دشوار و تقریباً ناممکن. اما فیلم‌ساز در فیلم «عطرآلود» تلاش زیادی می‌کند تا ما همراه با شخصیت بتوانیم این حس را تجربه کنیم. فیلم مانند بیشتر فیلم‌های این دوره شروع خوبی دارد و در عرض بیست دقیقه شخصیت‌ها، درگیری‌ها و نیات آن‌ها را برای ما روشن می‌سازد. اما به محض اینکه می‌خواهد طرح مسئله کند و روی همان ریل حرکت کند،

دچار سندرم از دست دادن خط اصلی قصه می‌شود و خرده داستان‌هایی مانند روایت آقای فرامرزی و پسرش، جابه‌جایی طلا و پول جورکردن برای عمل، پررنگ‌تر می‌شوند. مخاطب می‌خواهد ببیند این آدم که فکر و ذهنش آینده‌فرزندش است، چگونه با بیماری کنار می‌آید و در کنار آن می‌تواند عطر خودش را بسازد یا نه. فیلم‌نامه‌نویس باید این مسیر را دنبال می‌کرد نه چیز دیگری را. فیلم‌ساز هم تا جایی که توانسته این خلأها را با کارگردانی درست پر کرده است، مثل سکانسی که مرد روی تخت دراز کشیده و به سقفی که نم داده است، نگاه می‌کند. نه‌های روی دیوار تبدیل به تصاویری خیالی می‌شوند از آینده که فرزند بر سر خاک پدر ایستاده و این تصویر دیزالو می‌شود به صورت مرد. اما این‌ها کافی نیست و فیلم مشکلات روایی خود را نمی‌تواند حل کند.

ایران بوده، این بار سرحال‌تر از تجربه سال قبلیش جلوی دوربین حاضر

شده و نقش عیسی فرهمند، مأمور اداره بهزیستی، را با یورپدیر، روان و بی‌تکلف جلوی دوربین می‌برد. عزتی که تقریباً در همه سکانس‌های «کت چرمی» حضور دارد و بیشترین بار درام را به دوش می‌کشد، بی‌آنکه اجرباش از خط بیرون بزند، تحول شخصیت را در چهره خود منعکس می‌کند. در کنار عزتی، بازیگرانی که در حد و اندازه‌های او باشند، قرار نگرفته‌اند. صابر ابر که جزو پرکارترین بازیگران جشنواره امسال است، این بار در نقش یک پلیس، بازی نسبتاً متفاوتی را از خود به نمایش می‌گذارد و تلاش می‌کند چهره مرموز و درعین حال خیرخواه قصه باشد، اما سنجیدن بازی ابر با معیار استاندارد فیلم و همچنین مقایسه شدنش با عزتی نشان می‌دهد که این نقش را می‌شد به بازیگر بهتری هم سپرد. مابقی بازیگران فرعی، از عباس جمشیدی‌فر ستاره‌سپاسانی گرفته تا پائنه آذین‌های و رویا تیموریان، همگی در حد و اندازه‌هایی ظاهر شده‌اند که از آن‌ها انتظاری می‌رود و بازی شاخصی در بین مکمل‌ها به چشم نمی‌خورد. علاوه‌بر این، گلاره عباسی بی‌رق و تکراری به ایفای نقش پرداخته، درحالی‌که سارا حاتمی (بازیگر جوانی که با ایفای نقش مانده در سریال «زخم کاری» محمدحسین مهدویان چهره شد) موفق می‌شود لحظات جذابی را در فیلم خلق کند. فیلم‌نامه «کت چرمی»، جدا از شباهت زیادش با «مرد بازنده»، از لحاظ نوع پرداخت موضوع



هم ضعف‌هایی دارد. درگیرشدن قهرمان با ماجرای اصلی با سرعت اتفاق می‌افتد و از جایی به بعد، موضوع فساد گسترده فیهی حالت خصوصت شخصی به خود می‌گیرد. این فیلم‌نامه از لحاظ حقوقی هم ابهامات زیادی دارد و مشخص نیست که قهرمان قصه چطور از عمل خودسرانه‌اش قسر در رفته است. باوجوداین، متن می‌تواند بیننده را همراه نگه دارد و از ریتم نپتد، هرچند پایان‌بندی عجیبش گویی نوعی انتخاب فرمایشی برای امیدبخش تمام‌شدن فیلم بوده یا اینکه فیلم‌ساز تمعداً خواسته چرام کار را روشن جلوه دهد تا شانس بیشتری برای کسب سیمرغ داشته باشد.